

شعار راهپیمایی کارگری

زنده ماندن

حق انسانی ماست

پوریا زندی

درباره مناسبات حاکم بر روابط کارفرما و کارگران، هرچه در این موضوع دقیق تر می شوم به عمق فاجعه بیشتر پی می برم. اسم مناسبات امروزه را هرچه می خواهند بگذارند ولی ماهیت آن برده داری است. امروزه در این اوضاع اقتصادی کسانی هستند که با ماهی ۱۸۰ هزار تومان باید خانواده خودشان را بچرخانند و از صبح تا شب هم کار کنند. از آن طرف هم سرمایه دارانی از پشت بوته پیدا شده اند که ماشین دویست و پنجاه میلیونی می گذارند زیر پای آقازادگانشان. همه اینها در حالی است که خط فقر در تهران ۶۶۰ هزار تومان است. جالب اینجاست که تنها طبقه ای که مالیاتش را نصف و کمتر از نصف پرداخت می کند سرمایه دار و صاحبان شرکت های خصوصی هستند. بجای آنها مالیات کارمندان و کارگران چه خواهند و چه نخواهند تمام کمال پرداخت می شود و از حقوقشان کم می شود. حالا برویم سر اصل مطلب که موضوع مناسبات بین کارفرما با کارمند یا کارگر است. در ایران امروز پیمانکار هزار راه بلدست تا بتواند از حق و حقوق کارگر بزند و آن را برای خودش بردارد. کم نیستند پیمانکارانی که تا به محض آنکه بفهمد کارگری به حق خودش آگاه نیست دست به چنین کارهایی بزند. در برخی اوقات هم کارگر مجبور به سکوت در برابر این حق خوری هاست. در شهرداری ها قدرت اصلی در دست پیمانکاران است تا حدی که قدرت تغییر شهردار را هم دارند. بویژه در شهرداری تهران. دم این پیمانکاران اغلب به بسیج و سپاه بند است. در شهرداری بسیاری از پروژه ها می خوابد بخاطر همین پیمانکاران و بسیاری از پروژه ها هم اجرا می شود بخاطر همین پیمانکاران. اغلب پیمانکاران هزینه ها را جوری ثبت می کنند که برای خودشان بیشترین سود را داشته باشد. در واقع قصد دارند که از طریق هزینه ها هم درآمدی داشته باشند. هنوز که هنوز است بسیاری از پروژه ها که هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ محیط زیستی به صرفه تر است خوابیده است. به این دلیل که منفعت مالی برای همین پیمانکاران ندارند. پیمانکاران بیشتر از پروژه هایی استقبال می کنند که بتوانند استخوان لای زخم آن پروژه بگذارند تا تقریباً هر ساله برایشان منفعت مالی داشته باشد. درآمد دیگر پیمانکاران در شهرداری خوردن حق اولاد و حق بیمه و کمک های جنسی است که به کارگر می شود. در حوزه های صنعتی و تولیدی وضع از این بهتر نیست. فقط جنس و شدت و ضعفش فرق می کند. در آن حوزه هم پیمانکار از مزایای کارگر میزند و مثلاً هزینه سکونت و ایاب و ذهاب و نهار کارگر را یا پرداخت نمی کند یا اگر پرداخت کند نصفه و نیمه پرداخت می کند تا هزینه هایش کم شود. از طرف دیگر هزینه را برای سرمایه گذار زیاد می نویسد که سهم خودش را هم برداشته باشد. دیده شده اند پیمانکارانی که با آن پولی که از سرمایه گذار دریافت کرده اند تا خرج محل سکونت کارگر یا حق بیمه و یا حقوق کارگران و... شود، رفته اند مثلاً در بورس یا مسکن و یا زمین و بسیاری از پروژه های اقتصادی دیگر سرمایه گذاری کرده اند تا آنجا هم سود کنند و حتی در زمان عید سال نو هم با کارگر تسویه حساب نکرده اند، چون پولی که بابت این کار گرفته بوده اند را جای دیگر گذاشته تا بیشتر سود کنند. کارگر هم که در این جنگل تنهاست، دم نمی زند تا نکند از سیاهی هم رنگی بالاتر باشد. الان پرداخت نکردن حقوق کارگران یا پرداخت آن با تاخیر چند ماهه توسط پیمانکاران یک شیوه همه گیر شده است. البته این را هم باید بگوییم که برخی از پیمانکاران به دلیل اینکه سرمایه گذار خصوصی اند و یا دولت پولشان را سر موقع نمی دهد حقوق کارگران را دیر پرداخت می کنند که تعداد این گروه از

پیمانکاران در مقابل دسته دیگر که در بالا شرح دادم بسیار بسیار کم است. همه اینها را بگذارید کنار تحقیر های هر روزه کارگران توسط کارفرمایان که کرامت انسانی کارگر را زیر پا می گذارند. اگر کارگران ایران امکان یک راهپیمایی آزاد را داشتند آنوقت همه به عیان می دیدند فریاد آنها اینست: "زنده ماندن، حق ماست"

راه توده ۱۸۴ ۰۷,۰۷,۲۰۰۸